

حسین

از سال دهم هجرت که طلوع تازه‌ای در تاریخ اسلام است - یعنی آغاز دوران امامت - تا روزی که دوران امامت در ظاهر به پایان رسیده و مردم با کسی به نام امام



دیگر روبه‌رو نبودند یعنی تا شروع غیبت صغری، در حدود ۲۵۰ سال است. این دوران را ما یک دوران واحدی به شمار می‌آوریم. در این خلال دوازده نفر زندگی کرده‌اند... که در حقیقت یک نفرند، ملاک وحدت در اینها هست و آن، وحدت فکر و وحدت شخصیت است. «و کُلُّهُمْ نُوْرٌ وَاحِدٌ» اینها همه یک نورند؛ یعنی به سوی یک طرف، انسان‌ها را هدایت می‌کنند، چون نور، هدایتگر است. اینها شاخص راه انسانیت‌اند به یک جهت و به یک طرف... اینها همه «هم‌زمان حسین»‌اند. یعنی امام صادق علیه‌السلام هم‌زمان حسین علیه‌السلام است، در میدان حسین است؛ موسی بن جعفر، امام جواد، امام هشتم علیهم‌السلام هم‌زمان حسین‌اند، در میدان حسین و دوشادوش حسین... امام صادق دوشادوش حسین است، هم‌زمان حسین است، در کنار حسین است و با همان دشمن می‌جنگد و مبارزه می‌کند؛ با همان دستی که حسین علیه‌السلام را شهید کردند، او را هم شهید کردند؛ منتها در دو میدان.

کتاب هم‌زمان حسین علیه‌السلام / آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای

الهدی

ماهنامه فرهنگی - قرآنی - سوره مجتهد فرهنگی - علمای شهید
محرّم ۱۳۹۸ سال بیستم شماره ۷۹ دوازدهم صفحه



عَلِيٌّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ رَفَعَهُ عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فَنَاكٍ مَا أَنْتُمْ قَالِ نَحْنُ خَزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَ نَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَحَيَّ اللَّهُ وَ نَحْنُ الْحَجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَيَّ مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ مَنْ فَوْقِ الْأَرْضِ

سدیر گوید: با امام باقر علیه‌السلام عرض کردم: قربانت، شما چه سمتی دارید؟ فرمود: ما خزاندار علم خدائیم، ما مترجم وحی خدائیم؛ ما حجت رسائیم بر هر که در زیر آسمان و روی زمین است.

روزشمار

- ۱۰ شهریور - ۱ محرم ۱۴۴۱ - آغاز سال ۱۴۴۱ هجری قمری
- ۱۱ شهریور - روز صنعت چاپ
- ۱۲ شهریور - روز مبارزه با استعمار انگلیس
- ۱۳ شهریور - روز بزرگداشت ابوریحان بیرونی - روز تعاون
- ۱۷ شهریور - قیام ۱۷ شهریور و کشتار جمعی به دست مأموران ستم شاهی پهلوی (۱۳۵۷ هـ.ش)
- ۱۸ شهریور - ۹ محرم ۱۴۴۱ - تاسوعای حسینی
- ۱۹ شهریور - ۱۰ محرم ۱۴۴۱ - عاشورای حسینی
- ۱۹ شهریور - وفات آیت الله سید محمود طالقانی اولین امام جمعه تهران
- ۲۰ شهریور - حمله به برج‌های دولتی مرکز تجارت جهانی
- ۲۱ شهریور - ۱۲ محرم ۱۴۴۱ - شهادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام (۹۵۰ هـ.ق)
- ۲۱ شهریور - آغاز جنگ تحمیلی (۱۳۵۹ هـ.ش) - آغاز هفته دفاع مقدس
- ۲ مهر - ۲۵ محرم ۱۴۴۱ - شهادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام (۹۵ هـ.ق) به روایتی
- ۱۹ شهریور - عاشورای حسینی (۱۰ محرم)
- ۵ مهر - شکست حصر آبادان در عملیات ثامن لایحه (ع) (۱۳۶۰ هـ.ش) - روز جهانی جهانگردی
- ۷ مهر - روز آتش نشانی و ایمنی - سقوط هواپیمای حامل جمعی از فرماندهان جنگ (کلاهدوز، نامجو، فلاحي، فکوری، جهان‌آرا) در سال ۱۳۶۰



امام خمینی رحمت‌الله‌علیه



زهری سخنی
خانواده‌نومه



«۱۷ شهریور «مِنَ ایام الله» است، باید متذکر باشید. باید یادآوری کنید این «ایام الله» را. چنانچه کردید: از یاد نباید بروید این «ایام الله»: برای اینکه این ایامند که آدم سازند. این ایام است که جوان‌های ما را از عشرتکده‌ها بیرون می‌آورد و به میدان جنگ می‌برد. این ایام‌الله است که ملت ما را بیدار می‌کند و بیدار کرد. امر می‌کند: ذَکَرَهُمْ بِایام الله: «ایام الله» را در ذکر مردم وارد کن.» (صحیفه امام: ج ۹، ص ۴۶۶؛ ج ۱۳، ص ۱۸۷)

درانتظار

به خواب ظلمت آلودیم شب‌های زلالی را
دریغا ما تداستیم قدر آن لیالی را!
به جای شمعداتی‌های سرشار از شکوفایی
مزار از دشت می‌سازند و تابوت از صنوبرها
خدایا کی به پایان می‌بریم این مرگ‌سالی را!
کسی با نغمه الله‌اکبر برتمی‌خیزد
مؤذن بی‌سبب آشفت خواب این اهالی را
جهان پیوسته تا کی بر مدار ظلم می‌گردد
مگر در هم بریزد رادمردی این توالی را



جرعه وصال / آیت‌الله بهجت

خداوند بدون دلیل کاری را عمود خیمه دین قرار نمی‌دهد. از اینکه خداوند نماز را عمود خیمه دین قرار داده است، معلوم می‌شود در این نماز اسرار زیادی وجود دارد. اگر ما نمازمان را درست کنیم، به چیز دیگری احتیاج نداریم، چرا که خود نماز بقیه کارها را درست می‌کند. آثار و برکات خیلی زیاد است، نماز امکان ویژه و مخصوصی است که در اختیار ما قرار داده شده تا به کمک آن مشکلات معنوی و مادی خودمان را حل کنیم. نماز کارکردهای بسیار زیاد و تأثیرات عجیبی بر روح انسان دارد. به عنوان مثال نقل شده است که «یوعلی سیتا» وقتی نمی‌توانست یک مسئله علمی را حل کند، به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند، بعد، آن مسئله را حل می‌کرد. چگونه یک نماز خوب بخوانیم؟ لطیرضا پناهبان

انسان‌ها براساس شناختی که از خودشان دارند و قیمتی که برای خودشان قائل هستند افکارشان، انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، و اعمال‌شان را تنظیم می‌کنند. هر قدر شناختی که از خود داریم دقیق‌تر، و قیمتی که برای خود قائل هستیم، بالاتر باشد، این چهار عامل نیز دقیق‌تر و باارزش‌تر خواهد بود و در نتیجه زندگی و آینده بهتری خواهیم داشت. ضرورت خودشناسی و مطالبات انسانی / محمد شجاعی

تربیت در محیط خانوادگی

۱- تربیت در محیط خانوادگی
کم رنگ شدن غیرت؛ منشأ بسیاری از مفاسد جامعه این بحتی است که شدیداً مورد احتیاج است، خصوصاً برای جامعه متدین‌ترین نقشی اساسی دارد که می‌توان گفت بسیاری از مفاسد بر محور کم‌رنگ شدن همین غیرت است. در باب غیرت عرض کردم، غیرت حالتی است مربوط به روح که نشأت گرفته از حب به شیء است و این موجب می‌شود که انسان کوشش کند، آن شیء را که حفظ او عقلاً و شرعاً لازم است، حفظ کند. این تعریف علمای اخلاق از غیرت بود.

خانواده: کانون قویترین پیوندها

در جلسات گذشته این را مطرح کردم که پیوندهای انسان با دیگران را تقسیم‌بندی می‌کنیم به نسبی، سببی، آموزشی، شغلی، رفاقتی و... تا رسید به معنوی که عبارت بود از پیوند دینی. همین که قرآن میفرماید: «إِنَّمَا الْقَوْمُ بِإِحْوَانٍ» (حجرات، ۱۰) گفتیم هر کدام از این پیوندها محبت‌هایی را در پی دارد و هر محبتی از اینها که به‌وجود می‌آید باید غیرت را داشته باشد. این بحتی بود که من مطرح کردم. در اینجا من به سراغ اولین محیط که قوی‌ترین پیوند است و قوی‌ترین حب در آنجا هست رفتم، و عرض کردم که آن عبارت از پیوند خانوادگی است. پیوند و محبت میان فرزند و پدر و مادر، برادر و خواهر و... قهراً شدیدترین محبت‌ها در اینجاست.

فرزند دنباله وجودی انسان است

این را هم عرض کردم که انسان از این عالم که می‌رود، انقطاع کلی ندارد. فرزند دنباله وجودی و به منزله ادامه وجود پدر و مادر است. اما این به چه لحاظ است؟ به این است که فرزند برای والدین مفید است. با وجود فرزند انگار که هنوز از این نشئه نرفته است و چه بسا بتواند با همین ادامه وجودش، از او بهره بگیرد. روایتی را هم مطرح کردم. عرض کردم این در ارتباط با آن تربیتی است که نسبت به فرزندش داشته. ما تعبیرات مختلفی راجع به اولاد داریم. یک تعبیر در روایات این بود که اولاد میراث الهی است. دوم اینکه اولاد، در دست ایوبین امانتی است الهی. یک تعبیری هم من کردم که اولاد، ادامه هستی پدر و مادر در این نشئه است.

بقای انسان به تربیت صحیح فرزند است

انسان نباید ادامه وجودش را متقطع کند و از بین ببرد. هیچ کسی

آیت‌الله مجتبی تهرانی از مراجع عظام تقلید و استاد برجسته اخلاق صلی، شناخته‌شده در بین مردم و از شاگردان میرزا مکتب فقهی، اصولی، فلسفی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی (ره) بودند. در سالین گذشته، مجموعه‌ای تحت عنوان «تربیت» که جزوهای است حاوی ۵۸ سخنرانی مکتوب‌شده از این استاد اخلاقی منتشر شد که ایشان در این سلسله سخنرانی‌ها به تبیین مسئله تربیت در ایام مختلف آن؛ شامل تربیت در محیط خانوادگی، تربیت در محیط رفاقتی، تربیت در محیط آموزشی، تربیت در محیط شغلی، حیا در بد تربیتی، تربیت و مریدان تربیتی پرداخته‌اند. ایشان در ابتدای این جلسات می‌فرمایند: در جلسات آخر ماه صفر، بحث ما کشیده شد به بحثی اخلاقی، که علمای اخلاق در باب غیرت داشتند. البته یک سنخ مسائلی را که در این ارتباط بود به طور اجمال تذکر دادم؛ بعد از آن مراجعات خیلی زیادی شد (شاید چند هزار) که این بحث ادامه پیدا کند. با توجه به مطالب بسیار مفید این جزوه، بر آن شدیم تا در هر شماره بخشی از این سلسله سخنرانی‌ها را به نظرثان برسانیم؛ باشد که مورد عنایت و توجه خاص شما قرار گیرد و چراغ راه شود. و اکنون ادامه آن بحث‌ها خدمت شما خواننده محترم تقدیم می‌شود.

نمی‌خواهد از بین برود. آدم بقا می‌خواهد نه فتا. از آن طرف هم انسان هیچ‌گاه نباید در امانت خیانت کند. اینها چیزهایی است که جزء مفطورات ما است، فطرت می‌گوید که خیانت قبیح است. یا این تعبیر که فرزند میراث الهی است، نباید انسان ارتیه را به هدر بدهد. این تعبیرها را انسان خیلی خوب ادراک می‌کند. راه عدم انقطاع و راه اینکه انسان خیانت نکند، راه اینکه میراث را به هدر ندهد چیست؟ راه آن ادب و تربیت است.

من از اینجا وارد این بحث می‌شوم، ما در روایاتمان هم این مطلب را داریم. مثلاً از علی علیه‌السلام نقل شده که حضرت فرمود: «بهترین چیزی که پدر برای فرزند به اوست می‌گذارد، از خودش باقی می‌گذارد. همان تربیت اوست.» ارتیه در مال نیست، چرا؟ چون رابطه آن با انسان اعتباری است. تو که رفتی دیگر تو مالک نیستی! وقتی مردی، دیگر تمام شد، برو آنجا هر چه می‌خواهی دست و پا بزن.

اشتغال اصلی والدین باید تربیت فرزند باشد نه تأمین مادی او!
لذا ما در معارفمان این را داریم که شما در ارتباط با خانواده‌تان، خاندان‌تان به طور کلی، بیشترین سعی و کوشش‌تان را برای مسائل مادی او نگذارید؛ بلکه از این طرف بیشترین هم تو، تربیت او باشد. چون او ادامه وجود تو است، بقاء تو به بقاء انسانیت و معنویت اوست نه حیوانیت او. اگر او از بعد انسانی‌اش تربیت بشود، از نظر بعد معنوی‌اش تربیت شود، این ادامه حیات انسانی توست، ادامه حیات معنوی تو است.

لذا نه اینکه همت را نگذار برای اداره مادی او. نه! بیشتر روی مسئله تربیتی تکیه داشته باش. در نهج‌البلاغه است که علی علیه‌السلام می‌فرماید: بیشتر مشغولیات خویش را نسبت به خانواده و فرزندان قرار مده، چرا که اگر خانواده و فرزندان اولیاء خدا باشند، خدا آنها را فروگذار نمی‌کند. بیشترین مشغولیات خودت را که در این عالم می‌خواهی کار کنی برای آنها، از نظر مادی‌شان قرار نده. بعد خیلی زیبا توضیح می‌دهد که این قبلی را روشن می‌کند که تو اگر بیایی کار کنی، بیشترین هم خودت را بگذاری برای اینکه اینها از دوستان خدا شوند، روی بعد معنوی اینها کار کنی. پیوند اینها را با خدا محکم کنی، اگر این کار را بکنی، این را بدان خدا دوستانت را هیچ وقت وای نمی‌گذارد، رهایشان نمی‌کند. چقدر زیبا تفهیم می‌کند. برو این فرزند و خانواده‌ات را ولی‌الله بکن، وقتی این رابطه‌اش با خدا درست شد، غصه این را نخور، هیچ وقت مولا عبد را رها نمی‌کند.

روزنامه کیهان، ۱۳ شهریور ۱۳۹۰، شماره ۲۱۰۰۰

نگاه به انرژی درمانی

دارند. البته باید در نظر گرفت که افراد پیری که حرکت و کوشش را برای خود دارو می‌پندارند، کمتر دچار امراض گوناگون می‌شوند. از سویی دیگر مصرف انواع داروها و وسایل دیگر، برای انسان‌ها وابستگی ایجاد می‌کند که در صورت قطع دارو، بیماری دوباره در شخص ایجاد می‌شود که در این مورد باید دقت شود: بنابراین اشخاص باید دفاع علیه بیماری‌ها را در خود ایجاد کنند که داروها یک بُعدی و دارای اثرات مشخص می‌باشند. هر مرض و بیماری، در بدن، ناراحتی‌های دیگر و عوارض ثانویه‌ای ایجاد می‌کند، زیرا داروها غذا نیستند و بدن با آنها آشنایی ندارد، بنابراین هر بیماری و درمانی ممکن است بیماری دیگر و درمانی دیگر به دنبال داشته باشد.

اعتیاد به مصرف انواع داروها بسیار مهم و ترک آنها مشکل به نظر می‌رسد. ترک انواع داروها مانند مواد مخدر، مشکل و بعضی از داروهای مسکن و ضد درد و خوابآور مانند مواد مخدر دارای اثرات تخدیری و بیحس‌کنندگی می‌باشند و افرادی که به آنها عادت می‌کنند به راحتی نمی‌توانند از شز آنان خلاص شوند. بنابراین توصیه می‌شود: قبل از مصرف هر نوع درمان‌کننده، با تنظیم انرژی در بدن، اغلب بیماری‌ها را درمان کنید، ولی پس از مصرف انواع داروها و وابستگی به آنها به سختی ممکن است با مصرف وسایل انرژیزا، بیماری از بین برود.



فعالیت دستگاه‌های بدن و سیستم دفاعی را افزایش داده و میکروب‌ها و اجسام خارجی زنده را ضعیف می‌کند. ارسال انرژی به نقطه‌ای از بدن با تمرین و کوشش امکان‌پذیر می‌باشد و فقط و فقط کسانی که دارای پشتکار متناسب می‌باشند، می‌توانند از این روش بهره‌گیرند.

تالیف: دکتر نجم‌الدین حاجی سیدحسینی

بدن انسان برای استفاده از انواع ترکیبات و عوامل سازنده، نیاز به نیرو و انرژی دارد و اگر شخص دارای ضعف انرژی باشد و نیروهای خود را به عللی از دست داده باشد: غذاها نه تنها به خوبی هضم و جذب نمی‌شوند، بلکه در سلول نیز به خوبی نمی‌سوزند و یا در جای خود به خوبی تجزیه نشده و به عوامل سازنده تبدیل نمی‌شوند.

انرژی برای مصرف غذاها را می‌توانیم از طریق ورزش و غذاهای پراانرژی (قندهای طبیعی) و یا جذب انرژی از محیط به دست آوریم.

اعضایی که دارای انرژی بیشتر می‌باشند، بهتر می‌توانند نیروهای خود را به اعضای دیگر ارسال نمایند و آنهایی که دارای فعالیت بیشتر می‌باشند، بهتر می‌توانند از انواع غذاها بهره‌گیرند و نیروی خود را افزایش دهند.

استراحت و خواب زیاد، تنبلی و کمکاری: ضررهای جبرانناپذیری را به سلامتی و پیشرفت اجتماعی وارد می‌سازند. زندگی افراد با چرخش زمان رو به جلو می‌رود و توقف هر فرد موجب خارج شدن او از چرخه زمانه شده و به قعر گرفتاری‌ها سقوط می‌کند.

هنگامی که افراد به بیماری‌ها دچار می‌شوند، قبل از هر چیز به فقدان انرژی باید توجه شود تا اعمال بدن به خوبی انجام شود. حتی انواع بیماری‌های میکروبی و انگلی نیز در بدن افراد بدون نیرو، بهتر رشد می‌کنند و در بدن افراد پراانرژی و حیوانات پرنیرو جایی برای رشد انواع میکروب‌ها وجود ندارد. اصولاً انواع امراض، مربوط به انسان‌ها و حیوانات ضعیف و ناتوان می‌باشد. به همین دلیل در اثر گذشت زمان و پیری و خلط‌گرفتن اعضای مختلف بدن، کارایی اندام‌های مختلف کم می‌شود. و در عوض جوانان و کودکان که دارای فعالیت بیشتری از افراد مسن می‌باشند، امراض کمتری

نکات لازم در مورد روغن‌ها

روغن‌ها مهم‌ترین مواد غذایی هستند که باید نهایت دقت را در انتخاب آنها به عمل آورد: زیرا عامل مهمی در سلامت قلب و عروق هستند. بهترین روغن‌ها، روغن‌هایی هستند که از مواد سالم و طبیعی تهیه شده باشند. بهترین روغن‌ها عبارتند از: روغن زیتون طبیعی (تصفیه نشده)، روغن کنجد، روغن آفتابگردان، روغن ذرت، روغن پنبه‌دانه، روغن کافشه (تخم گل‌رنگ)، روغن سویا و روغن هسته انگور. بهتر است روغن‌ها را حرارت ندهیم تا ویتامین‌های آنها از بین نرود. در صورت استفاده از روغن حیوانی بهتر است آن را با روغن زیتون مخلوط کنید.

منبع: ارمغان تنبستی / جمشید خدادادی



نکات در مورد شیر

بهترین شیر، شیر تازه دوشیده گاو جوان، چاق، سالم و سفید که طعم و بوی بد نداشته باشد. شیر در افراد گرم‌مزاج مانع غلبه خون، محرک نیروی جنسی، اشتها آور و چاق‌کننده می‌باشد. برای افراد دارای مزاج صفراوی و خشک، یبوست و معتادین به تریاک مفید و برای اعصاب و معده‌های ضعیف و امراض بلغمی و افراد سردمزاج مضر است. خوردن آن با برنج به صورت شیربرنج یا فرنی جهت طول عمر و زیبایی پوست و با گردو و خرما برای چاق کردن بدن و زیبایی پوست و تقویت نیروی جنسی مفید است.

خوردن آن صبح ناشتا و بدون مصلح موجب بستن آن در معده و در نتیجه لرز و غش و اختلاط عقل می‌شود که درمان آن استفراغ کردن و یا خوردن سنگجبین عسلی و... می‌باشد. زیاد خوردن آن (بیشتر از ۷۰۰ تا ۱۴۰۰ گرم در روز) باعث سنگ کلیه و متانه، تب و خارج بدن می‌شود.

نکته: شیر گاو سفید دافع سودا، شیر گاو سیاه دافع صفرا، شیر گاو سرخ قاطع بلغم و شیر گاو زرد دافع هر سه خلط است.

تغذیه در طب ایرانی، اسلامی تالیف: دکتر کردافشار و...



قاعده و آداب غذا خوردن

بعضی افراد عادت به زیاد خوردن دارند به اصطلاح پرخوری دو نوع است یک نوع آن است که از روی اشتها و اندازه معده است و این بد نیست، ولی عده‌ای برخلاف این عمل می‌کنند: یعنی بیش از اندازه شکم و بیش از اشتهاشان می‌باشد اینگونه افراد در خوردن غذا افراط می‌کنند. با حرص و ولع لقمه‌ها را در دهان می‌گذارند که گویی آخرین غذای خود را می‌خورند. این بزرگ‌ترین عیب است که رعایت نمی‌کنند زیادی غذا هضم نمی‌شود معده با فشار زیاد کار می‌کند و قادر به انجام کار غیر معمولی نیست زود خسته و تبیل شده و از کار می‌ماند و چون معده کارخانه اصلی بدن است باعث می‌شود که امراض بیشماری از قبیل سوءهاضمه، ضعف قوا، التهاب، زخم روده و مجاری غذا به وجود آید و مغز در مواقعی که غذا بیش از اندازه در معده وارد می‌شود کارش کند و بطی‌الفعال می‌گردد و چاقی‌های مفرط و بی‌ریختی در بدن ایجاد می‌شود و موجب فشار خون، سکته، نقرس و امثال اینها می‌گردد.

لازم است چند لقمه به اشتها باقی مانده دست از طعام بردارند چنانچه بیش از عادت، غذا خورده شود باعث امراض و معلول و کوتاهی عمر می‌شود.

زمانی که هضم غذا لازم است انجام گیرد چهار تا پنج ساعت می‌باشد و اشخاص باید خوراکی خود را مطابق معده‌های خود ترتیب دهد و فاصله میان دو وعده غذا حداقل شش ساعت باشد.

بدترین نوع غذا خوردن آن است که چند نوع غذا در یک نوبت خورده شود.

غذا به جای دارو / حداد فروغی



بے نشان مثل بے بے

شهید مصطفی ردائی پور

گاهی یادمان می‌رود که اینجا: سرزمین آینه و آفتاب بهای خون کساتی است که به عشق وطن و هموطن بی‌پروا به دل حادثه زدند. به قلب بدخواهان میهن. گاهی از یاد می‌بریم که همه دارایی‌مان از هویت و امتیت و استقلال به برکت خون چه کساتی محفوظ مانده است. همان‌ها که رفتند و تیمادت تا بماند این سرزمین با همه خاطره‌هایش برای من، برای تو. همان‌ها که از همه وجودشان صلابت می‌بارید و حلاوت... حلاوت همسایه خدا شدن: حلاوت شهادت.

مصطفی هم از چرگه همان عاشقانی بود که به شوق وصال، بال‌هایش گرد شمع وجود یار سوخت. سختکوشی‌اش را از همان اول راه زندگی نشان داد: همان زمانی که از سایه مهر پدر محروم شد و کنار تحصیل علم و دانش، برای کمک به مخارج خانواده کسب و کار را هم تجربه می‌کرد: از شاگردی در دکان کفاشی تا کارگری در کوره آجرپزی و... والبتہ شیطنت‌هایی که چاشنی دوران پرخاطره توجواتی‌اش در

کوچه پس‌کوچه‌های اصفهان شد. توجوان پرشور و سرزنده‌ای که سر ترسی داشت و این ویژگی اخلاقی را بیش از پیش در ایام جوانی در جابه‌جایی اعلامیه‌های امام (ره) بدون واژه از ساواک نشان داد. مصطفی ردائی پور غروری نداشت. هر چه بود توکل بود. او خالص بود و مخلص: از همان‌ها که در همه کارهای‌شان خستودی خدا حرف اول را می‌زند و تا دم آخر سر قول و قرارش با خودش و محبوب مانند او رضای محبوب را با هیچ چیز عوض نکرد و صد البته راسخ. تا آنجا که حتی خیر شهادت رسول، برادرش او را برای لحظه‌ای از صحنه دفاع جدا نکرد. می‌دانم و می‌دانی مصطفی! که مرد میدان شهادت شدن آسان نبود. شاید کنج خلوت‌های دو تایی‌ات با محبوب

سنگرتشین رمل‌های خاکی و کمی بعد عرش تشیتت کرد. یا شاید شب‌تشتینی‌هایت با خدا در تماز شب‌هایت پر پروازت شد. راستی مصطفی جان! در تجوهای شبانه‌ات با خدا چه گفته بودی که چنین عارفانه راهی آسمان شدی و چنین عاشقانه همسایه محبوب. شاید هم خواندن روضه‌های از سر ارادتت برای بی‌بی در کنج دنج سنگرها ملکوتی‌ات کرد. همان جا که وقتی تام بی‌پی می‌آمد اشک‌های تو هم بی‌اختیار می‌آمد. یا شاید... اصلاً مگر می‌شود گریه‌کن حسین (ع) بود و راه حسین (ع) را ترفت. بی‌تردید تو راه سید و سالارت را پیشه کرده بودی: همان جا که بی‌عبا و قبا، آرپی‌جی به دست به قلب دشمن می‌زدی و ذکر یا حسین از لبانت نمی‌افتاد. تو خوب دانسته بودی که بهشت را به بها می‌دهند نه به بهانه... انس دوست‌داشتنی‌ات با گل بی‌مثال ترگس هم دیدنی بود. میعاد و میقاتت در صحن و سرای مقابل گنبد فیروزهای‌اش در جمکران هم.

طلبه خوشفکر انقلابی، برادر مصطفی! وقتی که می‌رفتی به قلب دشمن بزنی از خدا خواسته بودی که برنگردی. دلت می‌خواست محل پیکرت بی‌نشان باشد مثل بی‌بی. تقست حق بود... برتگشتی. مزد یک عمر بندگی مخلصانه‌ات را در تپه‌های حاج عمران گرفتی. همان تپه‌هایی که هنوز تشاتی از تو در خود دارد. در دل آن تپه‌ها رازی است از تو. یقین دارم تپه‌های حاج عمران بیشتر از ما از تو می‌دانند: از شهادت، از صلابت، از پیکر به جا مانده‌ات و... به راستی که شهادت حقت بود.

درسته که حاج خانم سال‌ها چشم به در دوخت و تیمادی، آن قدر که خودش بار و بنه بست و پیش تو آمد: امام‌مصطفایی که همیشه و همه جا برای خدا قدم برداشت، حیف بود که برای خدا و در جوار خدا نباشد.

خاطرات سبز

رفته بود جمکران: تصف شب، پای پیاده، زیر باران. کار همیشه‌اش بود: هر سه‌شنبه شب. این دفعه حسابی سرما خورده بود. تب کرده بود و به بستر افتاده بود. از شدت تب هذیان می‌گفت، می‌لرزید، گریه می‌کرد، داد می‌زد. بچه‌ها نگران شده بودند. آن موقع آیت‌الله قدوسی مسئول حوزه بود، او را خبر کردند. راضی نمی‌شد برگردد. یکی را فرستادند اصفهان خانواده‌اش را خبر کنند. مرتضی برادرش آمد، هر چه



اصرار کرد که «پا شو بریم اصفهان، چند روز استراحت کن دوباره برمی‌گردی حوزه» می‌گفت: «نه، درس دارم.» آخر پای مادر را وسط کشید که اگر برنگردی مادر ناراحت می‌شه. اسم حاج خانم که او آمد راضی شد که برگردد. مرتضی ردائی پور برادر اقا مصطفی



نگاهش را دوخته بود یک گوشه، چشم بر نمی‌داشت. مثل اینکه توی این دنیا نبود. آب می‌ریخت روی سرش، ولی انگار ته انگار. تکان نمی‌خورد. حمام پیرانشهر نزدیک منطقه بود. دو تایی رفته بودیم که زود برگردیم. مانده بود زیر دوش آب بیرون هم نمی‌آمد.

یکهو برگشت طرفم، گفت: «از خدا خواستم جنازه‌م گم بشه. ته عراقی‌ها پیدام کنن، ته ایرانی‌ها.»

همرزم مصطفی ردائی پور



چند بار صدا زد: «برادرها بلند شید، تماز شب.» هوا سرد بود. کسی حال بلند شدن نداشت. پتوها را کشیده بودتد تا روی سرشان و خوابیده بودند. دست‌بردار نبود. هی می‌گفت: «بلند شید، تماز شب.» یکی سرش را از زیر پتو بیرون آورد. همین‌طور که چشم‌هاش بسته بود، گفت: «از همین زیر پتو الهی العفو.» چند تا پتو دور خودش پیچید و رفت. زیر تور فائوس تماز می‌خواند، دعا می‌کرد و اشک می‌ریخت. هم‌رزم مصطفی ردائی پور



آیت الله طالقانی و بیداری اسلام

به مناسبت سالگرد وفات آیت الله طالقانی، گزیده‌هایی از سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین خسروشاهی را که در محفل رونمایی از واپسین شماره کتاب «ماه فرهنگ‌نگاری تاریخی یادآور» که شناخت‌نامه جامع آیت الله طالقانی نام گرفته، یا هم می‌خوانیم:

بیداری اسلامی یا احیاء فکر دینی، در جوامع اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد. تقریباً باید گفت که از زمان آغاز حرکت سیدجمال‌الدین اسدآبادی در یکی دو قرن اخیر شروع شده و در طول این مدت، به اشکال مختلف، در یلاد اسلامی مطرح شده است.

در واقع پایه‌گذار بیداری اسلامی و احیاء فکر دینی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی است که از مصر آغاز شد و با تربیت شاگردانی چون محمد عبده و بعد رشید رضا و گوآکیبی و دیگران استمرار یافت. شهید شیخ حسن الینا مؤسس حرکت اخوان المسلمین می‌گوید که حرکت اخوان المسلمین حرکتی اصلاحی-اسلامی و استمرار راه سیدجمال و محمد عبده است.

اصولاً می‌توان گفت که احیاءگری فکر دینی و بیداری اسلامی، پس از دو ضربه هولناک حمله مغول و نابودسازی تمدن و فرهنگ اسلامی و سپس تهاجم نظامی، فرهنگی و سیاسی غرب مسیحی، یک پدیده عمده و قابل توجهی است و در هر گوشه از جهان اسلام، بیدارگرانی در این مسیر گام نهاده‌اند.

در ایران، پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاخان (پهلوی اول)، در طلیعه بیدارسازان و احیاءگران فکر دینی، آیت الله سیدمحمود طالقانی قرار دارد که با هجرت از قم به تهران ادای این تکلیف را به عهده گرفت. البته حرکت آیت الله طالقانی در این راستا، چند شاخصه اصلی و عمده دارد که می‌توان به مهم‌ترین آنها اشاره کرد:

- ۱- بازگشت به قرآن و نشر تفکر قرآنی در میان عموم مردم.
- ۲- مبارزه با خودکامگی سیاسی و استبداد دینی.
- ۳- تلاش و کوشش در راه رهایی ملل مسلمان و ایجاد وحدت بین مسلمانان و تقریب بین مذاهب اسلامی.

البته بی‌موردن این راه آسان نبود. همان آغاز دروس و جلسات تفسیر در تهران، همراه با هجمه ارتجاع دینی بر ضد ایشان بود. خود آیت الله طالقانی می‌گوید: «از قم به تهران برگشتم و در مسجد پدرم شروع کردم به تفسیر قرآن گفتن، اما از طرف مجامع

حضرت زینب کبری سلام الله علیها

سال ششم هجرت بود که تو با به عرصه وجود گذاشتی ای نفر ششم پنج تن!

بیش از هر کس، حسین از آمدنت خوشحال شد و اکنون خودت را مهیا کن زیتب که حادثه دارد به اوج خودش نزدیک می‌شود. اکنون هنگامه وداع فرا رسیده است. ایتگونه قدم برداشتن حسین و ایسان پیش آمدن او، خیر از فراقی عظیم می‌دهد. همه تحمل‌ها که تا کنون کرده‌ای، تمرین بوده است، همه مقاومت‌ها، مقدمه بوده است و همه تاب‌ها و توان‌ها، تدارک این لحظه عظیم امتحان!

نه آنچه که از صبح تا کنون بر تو گذشته است، بل آنچه از ابتدای عمر تا کنون سپری کرده‌ای همه برای همین لحظه بوده است.

هیچ کس تا ابد، جز خود خدا نمی‌داند که میان تو و حسین در این لحظات چه می‌گذرد. حتی فرشتگان از بیم آتش گرفتن بال‌های خویش در هرم این وداع به شما نزدیک نمی‌شوند.

هیچ کس نمی‌تواند بفهمد که دست حسین با قلب تو چه می‌کند؟ هیچ کس نمی‌تواند بفهمد که نگاه حسین در جان تو چه می‌ریزد؟ هیچ کس نمی‌تواند بفهمد که لب‌های حسین بر پیشانی تو چگونه تقدیر را رقم می‌زنند.

فقط آنچه دیگران ممکن است بیفتند یا بفهمند این است که زیتبی دیگر از خیمه بیرون می‌آید.

زیتبی که دیگر زیتب نیست، تماماً حسین شده است.

... و مگر پیش از این، غیر از این بوده است؟! ...

قرار ناگذاشته میان تو و حسین این است که تو در خیام از سجاده و زن‌ها و بچه‌ها حراست کنی و او با رجزی، رمزی، ترنم شعری، آوای دعایی و فریاد لاجولی، سلامتی‌اش را پیوسته با تو در میان بگذارد. سجاده و همه اهل خیام نیز به این صدا دلخوشند، احساس می‌کنند که ضربان قلب هستی هنوز مستدام است و زندگی هنوز در رگ‌های عالم جریان دارد.

او باید در محاصره دشمن بجنگد، شمشیر بزند و بگوید: الله اکبر و از زبان تو بشنود: جالب!

بگوید: لا اله الا الله و بشنود: همه هستی‌ام.

بگوید: لا حول و لا قوه الا بالله! و بشنود: قوت پاهایم، سوی چشمم، گرمای دلم، بهانه‌مانندم!

تو او را از ورای پرده‌ها ببینی و او صدای تو را از ورای فاصله‌ها بشنود. تو نفس یکشی و او قوت بگیرد، تو سجده کنی و او بایستد، تو آب شوی و او روشنی بیخشد و او... او تنها با اشارت مژگانش زندگی را برای تو معنا کند.

و... ناگهان میدان از نفس می‌افتد، صدا قطع می‌شود و قلب تو می‌ایستد.

بریده باد دست‌های تو مالک!

این شمشیر مالک، این سر کتدی است که بر فرق امام فرود آمده است، کلاه او را به دو نیم کرده است و انگار باران خون بر او باریده باشد، تمام



سر و صورتش را گلگون کرده است. همه عالم فدای یک تار مویت حسین جان! برگرد! این سر و پیشانی بستن می‌خواهد، این کلاه و عمامه عوض کردن و... این چشم خون‌گرفته بوسیدن.

... چون مرغ رگ بریده دور خودت بچرخ، چون ماهی به خاک افتاده در تب و تاب بسوز، اما لب به نفرین باز نکن.

اتمام حجت بکن، فریاد بزین و بگو: وای بر شما! آیا در میان شما یک مسلمان نیست.

... می‌دانستی که حسین به هر حال در آغوش خون خواهد خفت و بر محمل شهادت سفر خواهد کرد، اما گمان نمی‌کردی که کشتن پسر پیامبر پس از گذشت چند ده سال از ظهور او این همه داوطلب داشته باشد.

شهادت ندیده نبودی. مادرت عصمت کبری و پدرت علی مرتضی و برادرت حسن مجتبی همه هنگام سفر رخت شهادت پوشیدند. چشمت با زخم و ضربت و خون ناآشنا نبود، این همه را در پهلوی و بازوی مادر، فرق سر پدر و طشت پیش روی برادر دیده بودی اما هرگز تصور نمی‌کردی که دامنه قساوت تا این حد، گسترده باشد.

سجاده را ببین که چگونه مشت بر زمین می‌کوبد و هستی را به آرامش دعوت می‌کند. سجاده را ببین که چگونه بر سر کائنات فریاد می‌کشد که «این متمم حجت خدا بر زمین!» و با دست‌های لرزانش تلاش می‌کند که ستون‌های آفریتش را استوار نگه دارد.

شکیبایی‌ات را از دست مده زیتب! که آسمان بر ستون صبر تو استوار ایستاده است.

ایتک این ملائکه‌اند که صف به صف پیش روی تو زانو زده‌اند و تو را به صبوری دعوت می‌کنند. این تمامی پیامبران خداوندند که به تسلای دل مجروح تو آمده‌اند. جز ایجتا و اکتون، زمین کی تمام پیامبران را یک جا بر روی خویش دیده است.

این صف اولیاست، تمامی اولیاء الله و این خود محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

-یا جده! یا رسول الله! یا محمداه! این حسین توست که...

نگاه زیتب! این خداست که به تسلای تو آمده است.

-«خدا! ببین که با فرزند پیامبرت چه می‌کنند! ببین که بر سر عزیز تو چه می‌آورند! ببین که نور چشم علی را...»

نه، نه، شکوه نکن زیتب! با خدا شکوه نکن! از خدا گلایه نکن. فقط سرت را بر روی شانه‌های آرام‌بخش خدا بگذار و های‌های گریه کن. خودت را فقط به خدا بسپار و از او کمک بخواه. خودت را در آغوش گرم خدا گم کن و از خدا سیراب شو، اشیاغ شو، سر ریخته شو. آنچنان که بتوانی دست زیر پیکر پاره‌پاره حسین بگیری و او را از زمین بلند کنی و به خدا بگویی:

«خدا! این قربانی را از آل محمد قبول کن!»



شبهه:

در آیات قرآن، تقلید به معنای پیروی و تبعیت فکری و دینی، امری ناپسند است. در آیه ۲۶ سوره اسراء آمده: «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ الْفَوَادِ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَ مُسْتَوْلا: هرگز از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن، همانا گوش، چشم و دل (نیروهای عقلی) تماما نزد خدا پاسخگو هستند.» مفهوم لغوی کلمه «قفوا» در هشدار «لا تَقْفُ»، نوعی دنباله‌روی سلسله‌وار را می‌رساند، یعنی ندانسته و نشناخته پیرو کسی یا چیزی شدن و شخصیت و هویت مستقل خود را ندیده گرفتن: که در شریعت الهی ممنوع بوده و عقاب اخروی را در پی خواهد داشت. تقلید از مراجع دینی و استفاده از رساله‌های عملیه و عدم استفاده از استعدادهای خدادادی و همچنین عدم مراجعه به قرآن که منبع موثق دینی برای انجام تکالیف می‌باشد، ناشی از تنبلی افراد و سپردن مسئولیت کار خود به دیگران است که امری ناپسند و مورد غضب الهی می‌باشد. در ضمن توجیه تقلید از مراجع تقلید، به اینکه این امر همانند مراجعه به پزشک، مهندس و متخصصان دیگر می‌باشد، غیرقابل پذیرش است چراکه امور شخصی دنیوی مثل رجوع به پزشک متخصص برای

درمان با امور عبادی که مربوط به آخرت انسان‌ها است تفاوت فراوانی دارد.

پاسخ:

تقلید به دو نوع پست‌دیده و ناپسند تقسیم می‌شود. تقلید جاهل از جاهل که مسلماً مذموم و ناپسند است و تقلید جاهل از عالم (مانند مراجع دینی، پزشکان، مهندسان و...) که توصیه آیات و روایات و پذیرفته شده نزد همه عقلاء بوده از موارد تقلید محبوب است. دلیل آن نیز دشواری فهم مبانی و قواعد علوم است. چرا که درک مفاهیم ژرف و عمیق در هر علمی نیازمند سال‌ها تلاش و کوشش مستمر است. زندگی هر انسان نیز دارای محدودیت‌های مختلفی است که تخصص در همه علوم مورد نیاز را برای او غیرمقدور می‌سازد. لذا پیروی از مجتهدین و فقها نه تنها امری ناپسند نبوده، بلکه نشان از درک واقعیات موجود در قرآن و سنت و مورد اتفاق همه عقلا است و از آن جایی که این کار برای اطمینان از صحت انجام تکالیف الهی است، رضایت الهی را نیز در پی خواهد داشت. در ضمن مراجعه به مجتهدین نه تنها مانند مراجعه به متخصصین در دیگر رشته‌های علمی می‌باشد، بلکه از اهمیت بالاتری نیز برخوردار است؛ چراکه انسان همان‌طور که در نیازهای مادی خود به دلیل عدم تخصص نیازمند مراجعه به پزشک، مهندس و... می‌باشد، به طریق اولی برای معارفی که به سعادت و شقاوت اخروی او مرتبط است نیازمند مراجعه به متخصص معارف دینی می‌باشد. ارسال رسل از طرف خداوند متعال و معرفی ائمه علیهم‌السلام از طرف پیامبر صلوات‌الله‌علیه و مأمور نمودن آنها برای هدایت بشریت و همچنین توصیه این بزرگواران در زمان خود و برای مابعد آن به فقها و اهل علم به فتوی دادن و نشر معارف دینی در بین مردم نیز گواه روشنی بر این مطلب است. همچنین از مجموع آیات، روایات، نظرات علما و مفسرین بزرگ اینگونه برداشت می‌شود که تقلید از مراجع که یکی از انواع رجوع جاهل به عالم است، امری طبیعی و متطبق بر فطرت انسان و مورد رضایت خداوند است. همچنین مورد پذیرش همه عقلا بوده و راهی است برای اطمینان از صحت انجام تکالیف بر مبتای اراده الهی و این نوع از تقلید از مراجعه به متخصصین دیگر که نیازهای دنیوی ما را برطرف می‌نمایند، به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که حیات دنیوی فانی و زود گذر و حیات اخروی جاودان و ابدی است.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم

روش بحث



در یکی از برخوردها یا پیرمردی مغرور روبه‌رو شدم که برای کوبیدن آمده بود. پس از آرام شدن او، از او پرسیدم: این انگشتر تو چقدر ارزش دارد؟ معلوم شد کلی قیمتی است. گفتم: اگر این انگشتر قیمتی را گم یکنی و بجای آن خربچه‌ای آن را به تو نشان بدهد، آیا از آن می‌گذری و از آن چشم می‌پوشی؟ با شتاب گفت: نه چشم می‌پوشم و نه می‌گذرم. که تشکر هم می‌کنم و مزدگانی هم می‌دهم. اینجا بود که محکم و آرام گفتم: حقیقت گمشده ماست، کسی که آن را به ما نشان دهد، با او چه خواهیم کرد؟ آیا در برابرش ستگر خواهیم گرفت و به جوش خواهیم بست؟ یا اینکه معتقدی ما چنین گمشده‌ای نداریم و مطلوب مشخص است؟ اگر کسی طلب ندارد، بحث را شروع نمی‌کند و اگر شروع کرد باید از ریشه پیش بیاید و به نق و نق کردن و چک چک زدن وقت را نگذرانند. باید مسائل موجود در جامعه‌اش را، خودش احساس کند و ریشه‌یابی کند و به درمانش بپردازد و درمان‌های صادراتی را به صادرکنندگانش واگذارد. هنگامی که مسائل ما و کمیوندهای ما مشخص شد، می‌توانیم به دنبال راه‌حل باشیم و می‌توانیم راه‌حل‌ها را با خود مسائل نقد بزنیم و ببینیم که مسائل تا چقدر حل می‌شوند و جواب می‌گیرند.

هنگامی که سه مرحله طرح و درک مسئله، و راه‌حل مسئله و نقد راه‌حل‌ها، پشت سر هم و به ترتیب شروع شوند بسیاری از بخش‌های پیش‌ساخته و دعوای لفظی کتار خواهد رفت.

اینگونه بحث هم سعه صدر می‌خواهد و هم وقت، که تو بتوانی حرف‌های اصلی طرف را تحمل کنی و او نتواند از این شاخه به آن شاخه بپرد. و موضوع را ذیح شرعی کند، همانند آن دزد ماهر که بالای درخت مشغول فعالیت بود و صاحب باغ از راه رسید و پرسید: چناب آقا اینجا چه کار می‌کنند؟

چناب دزد با کمال ناراحتی رو به طرف کرد و پرسید: چرا برای خاتم پیراهن قرمز نخریدی؟

آیه‌های سیزده استاد علی صفایی حائری

گوش به دعای مادر

در آن شب، همه اش به کلمات مادرش - که در گوشه ای از اتاق رو به طرف قبله کرده بود- گوش می‌داد. رکوع و سجود و قیام و قعود مادر را در آن شب، که شب جمعه بود، تحت نظر داشت. با اینکه هنوز کودک بود، مراقب بود ببیند مادرش که ایتهمه درباره ی مردان و زنان مسلمان دعای خیر می‌کند و یک یک را نام می‌برد و از خدای بزرگ برای هر یک از آنها سعادت و رحمت و خیر و برکت می‌خواهد، برای شخص خود از خداوند چه چیزی مسألت می‌کند؟

امام حسن آن شب را تا صبح نخوابیده و مراقب کار مادرش صدیقه ی مرضیه علیهاالسلام بود و همه اش منتظر بود که ببیند مادرش درباره ی خود چگونه دعا می‌کند و از خداوند برای خود چه خیر و سعادت می‌خواهد؟

شب صبح شد و به عبادت و دعا درباره ی دیگران گذشت و امام حسن حتی یک کلمه نشتید که مادرش برای خود دعا کند. صبح به مادر گفت: «مادر جان! چرا من هرچه گوش کردم تو درباره ی دیگران دعای خیر کردی و درباره ی خودت یک کلمه دعا نکردی؟»

مادر مهربان جواب داد: «پسرک عزیزم! اول همسایه، بعد خانه ی خود.»

داستان راستان / شهید مرتضی مطهری



حسین

برنامه مراسم عزاداری سالار شهیدان اباعبدالله الحسین

برنامه های صبح حسین

زلزل محرم (یکشنبه - ۱۰ شهریور ماه) تا ۱۲ محرم (پنجشنبه - ۱۲ شهریور ماه)
 زیارت عاشورا و مداحی: **دکتر اهل بیت حاج عبدالحسین کریمی**
 سخنران: **حجت الاسلام والمسلمین حاج قلمحمدی** (همراه بیت الله رفیع)

برنامه ویژه روزهای ناسوعا و عاشورا

عازم و بر برنامه صبح، از ساعت ۱۱ الی ۱۵ / سخنران: **خانم طالب نژاد**
 قرانت زیارت نامه ناحیه مقدسه / سوگواری و عزاداری و سینه زنی

برنامه ویژه شب عاشورا (حلیه پیرن)

شروع ساعت ۹ شب مداحی **سرکار خانم نوروزی** و قرانت زیارت عاشورا



راه های ارتباطی با مجتمع فرهنگی علمه شهدا

بازگشایی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

سایت انگلیسی: www.toplife4you.com

آدرس کانال ها و فروشگاه اینترنتی: @osvehshop

فروشگاه محصولات غذایی سالم: @osvehshop_organic

واحد اطلاع رسانی اخبار و مراسمات: @osveh_quranic

سر دبیر: سرکار خانم زهرابادی

دبیر تحریریه: فخری مرجانی

واحد پژوهش و مجتمع فرهنگی علمه شهدا

شماره تلفن: ۵۵۴۸۲۰۲۵ - ۵۵۳۹۰۱۲

واحد دروس آموزش اسوه: @osvehamozesh

مجله طب اسلامه اسوه: @osveh_medicine_magazine

بهای هر شماره ذکر صلوات نثار و طرح طبیعت شهدا، امام خمینی (ره)